

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۹ • ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۱۷ آگوست ۲۰۲۰

## اخبار

**چرا بیل دوست ندارد از رئال دل بکند؟**

نیمکت‌نشین است و در اکثر بازی‌ها بازی نمی‌کند. این جمله ساده اما برای یک بازیکن بسیار ناراحت‌کننده است. گرت بیل اما ظاهراً توپچی به آن ندارد.
برغم بی‌توجهی زیدان به او، گرت روی نیمکت می‌نشیند، لیخند تحویل دوربین‌ها می‌دهد و حرکات بامزه انجام می‌دهد تا نشان دهد از شرایط موجود ناراضی نیست اما چرا بیل دوست ندارد رئال را ترک کند؟ حتی اگر فلورنتینو پرس هم راضی به ضرر مالی در مورد جدایی بیل شود اما دلایل دیگری از سوی این پسرک ولزی وجود دارد که نمی‌خواهد تیمش را یا بهتر بگوییم زندگی لاکچری‌اش در پادریه را از دست بدهد!

**مادرید تحت سلطه بیل**

برای گرت بیل بعد از اینکه لندن را ترک کرد مادرید به خانه اولش تبدیل شده است. او هر آنچه خواسته و اراده کرده را در این شهر برای خود فراهم کرده است. خانه لاکچری، بازی در زمین گلف، حضور در کمپ تمرینی رئال و بازی در ورزشگاه سانتیاگو برنابو چهار لوکسینی است که همگی دسترسی نزدیک بهمم دارند و کمتر از ۱۵ دقیقه بیل را به جایگاه دلخواهش می‌رساند.

**خانه ۶۵ میلیون پوندی**

گرت در منطقه لافینکاسکونت دارد. منطقه‌ای که مختص ثروتمندان و فوتبالبلیست‌هاست. در این منطقه زیدان، بنزما و راموس همسایه بیل هستند. خانه لاکچری که بیل ساکن شده ۶۵ میلیون پوند قیمت دارد. جالب اینجاست قبل از او کاکا بازیکن برزیلی یک ده پیش رئالی‌ها آنجا زندگی می‌کرد. امکانات لاکچری این خانه بیل را حسابی به آنجا وابسته کرده است. گرت برای این خانه که مجموعاً ۱۵۰۰ متر می‌شود مالک ۱۰۰ هزار پوند اجاره بها پرداخت می‌کند. استخر، باشگاه، فضای سبز و… بخشی از امکانات عمارت گران‌قیمت بیل است.

**کلکسیون ماشین**

خانه گرت بیل ۶ گاراژ دارد که او می‌تواند ماشین‌هایش را در امن‌ترین حالت ممکن آنجا پارک کند. یکی از تفریحات گرت لذت ماشین‌سواری و سرعت است. گرت بیل هر از چندگاهی با یک ماشین دیده می‌شود. یکبار مرسدس بنز SLS سوار می‌شود که بعد از ۱۶۵ هزار پوند قیمت دارد، یکبار بنتلی کنتیننزال زیر پایش است که قیمتی ۱۵۲ هزار پوند می‌باشد، لامبورگینی ۱۵۶ هزار پوندی دارد و آودی Q۷ اهدایی اسپانسر باشگاه هم ماشین محل تمرینش است. سوگولی ماشین‌های گرت اما فراری ۳۳۰ هزار پوندی‌اش است که برای قرارهای خاص از آن استفاده می‌کند.

**عاشق گلف**

منتقدانش بر این باور هستند تعداد بازی‌های بیل در زمین گلف بیشتر از حضورش در زمین فوتبال برای رئال است. آنها اعتقاد دارند اولویت بیل بازی در زمین گلف است و بازی برای کردن زمین می‌کند. در واقع گلف جزو تفریحات بیل است که هرگز نباید قطع شود.

**خرج عروسی**

گرت در زندگی شخصی عاطفی خود هم هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شود. او با اما جونس از دوران مدرسه آشنا شد. سال ۲۰۱۶ نامزد کرد و سال ۲۰۱۹ مراسم ازدواج را برپا کرد. جشن ازدواج این زوج در هلنی پنج ستاره واقع در جزیره مایورکا به بهترین شکل ممکن برگزار شد. گرت و همسرش سر جمع ۶۰ مهمان را برای این مراسم دعوت کردند و گوشی‌های موبایل مهمان‌ها را جلوی در گرفتند تا فیلم و عکسی از این مهمانی منتشر نشود.

**آقای هزینه**

اما جونس برای زندگی خودش هم کلی خرج روی دست بیل گذاشت. پدرش که به جرم تخلف مالیاتی در آمریکا بازداشت شده بود و هم‌عاشق به جرم حمل مواد مخدر دستگیر شده بود، باعث شد گرت هزینه‌های دادرسی و وکالت آن‌ها را بپردازد. تفریحات لاکچری این زوج هم بخش دیگری از هزینه‌هایی بود که آقای بیل باید پرداخت می‌کرد!

**حقوق ۶۰۰ هزار پوندی**

می‌گویند گرت بیل حسایی روی دست باشگاه خرج می‌گذارد. خرجی که تا نیمکت‌نشینی او تقریباً هیچ آورده‌ای برای تیم ندارد. گفته شده بیل هفتگی ۶۰۰ هزار پوند از باشگاه دستمزد می‌گیرد تا بتواند این همه خرج‌هایی که دارد را تأمین کند. البته این رقم بدون در نظر گرفتن مالیات است. حالا رئالی‌ها از مخارج بیل خسته شدند و بیل هم از اینکه در تیم بعدی‌اش تا چه اندازه می‌خواهد به زندگی جدید عادت کند نگران است!

دیدار با عراق برقرار است؛

**سرمری سوریه: با تیم ملی فوتبال ایران بازی نمی‌کنیم**

سرمری تیم ملی فوتبال سوریه می‌گوید بازی تدارکاتی این تیم مقابل ایران لغو شده است. «ببین معلول» سرمری تیم ملی فوتبال سوریه گفت: باوجود تعویق دیدارهای انتخابی جام جهانی، ما برای آماده سازی تیم ملی سوریه تلاش می‌کنیم. وی افزود: از انجام بازی دوستانه با ایران کن‌خواهی شده است ولی دیدار با عراق برقرار است.به گفته سرمری تیم ملی فوتبال سوریه، فدراسیون فوتبال این کشور به دنبال برگزاری دو بازی تدارکاتی دیگر در ماه های اکتبر و نوامبر است.

در بازی تدارکاتی رقم خورد؛

**درخشش قوچان نژاد در شب غیبت آردن روبن**
تیم فوتبال زوله هلند با درخشش مهاجم ایرانی خود در دیداری تدارکاتی مقابل خروینتگن به پیروزی رسید.

تیم های فوتبال پک زوله و خروینتگن هلند روز گذشته در دیداری تدارکاتی به مصاف هم رفتند که این بازی با دو گل به سود زوله به پایان رسید.

رضا قوچان نژاد مهاجم ایرانی تیم زوله، چهره ویژه این مسابقه بود. قوچان نژاد که ابتدای بازی نیمکت نشین بود، در نیمه دوم وارد زمین شد و توانست در دقایق ۴۸ و ۹۲ برای زوله گلزنی کند.

مهدی‌ظاهرخانی

این خط پایان بود؛ نقطه انتهای و جایی که باید به نشانه تسلیم ۲ دست را بالا برد. دریافت ۸ گل در طول ۹۰ دقیقه همان چیزی بود که بارسا بدهد. در اینکه جای باین شدی رویایی و می‌ماند را پشت‌سر گذاشت هیچ تردیدی نیست اما موضوع مهم برای بارسا پایان یک دوران بود. چرا این ۸ گل رویید؟ هیچ چیزی یک‌شبه خلق نمی‌شود. همه چیز از وقتی آغاز شد که مدیریت باشگاه به دست یکی از ضعیف‌ترین مدیران تاریخ بارسا افتاد؛ نِمبار به واسطه ضعف‌های موجود در قرارداد رفت و مدیریت باشگاه عوض آنکه نگران آینده و تعویض پلکانی نسل باشد حدود ۴۰۰ میلیون یورو برای ۳ خرید اشتباه هزینه کرد؛ کوتینیو، دمبله و گریزمن. با این ۴۰۰ میلیون یورو بارسا قادر بود براحتی جانشین‌های پیکه، البا، بوسکنس و اینیستا را پیدا کند اما همه چیز صرف نمایش پیدا کردن جانشین نِمبار شد. به این ۸ گل نگاهی گذرا ببیندازید؛ شبیه همان گل‌های فاجعه رم و آنفیلد نبود؛ بارسا دو سال است اینجنتین خارج از توکمپ تحقیر می‌شود اما خیلی‌ها تصور می‌کنند این باخت‌های پرگل تنها یک حادثه است. اما نه؛ رم ۳ گل زد، لیورپول ۴ گل و باین ۸ گل.

همه این ۱۵ گل درست در همین مرحله بود و خارج از توکمپ. اینها هیچ کدام اتفاقی نیست. به ۸ گل نگاه کنید و ببینید رد پای سمدو و لنگله تا چه حد مشهود است. این دو در شرایط پرس وحشتناک حریف، همان اشتباهاتی را مرتکب شدند که عینا در رم و آنفیلد توسط دیگران تکرار شده بود. البته سمو عنصر مشترک در ۳ دیدار است و مربی باین فلیک یک به‌درستی چشم اسفندیار را دید و کور کرد. نه اینکه سمدو و لنگله و پیکه عامل اصلی این فاجعه باشند؛ آنها

## سقوط یک امپراطوری



نمایش همیشگی خود را ارائه دادند اما تفاوت در میل باین به گلزنی بود. این سلسله اشتباهات به دفعات در لالیگا تکرار شد و به همین دلیل بارسا جام را به رئال تقدیم کرد.

این نمایش نامیدکننده بارسا بود که نشان داد دیگر صبر و تحمل حتی برای یک روز هم وقت تلف کردن است. نخست از همه باید مدیریت تعویض شود؛ همان افرادی که آرتور ملو ۲۳ ساله و آینده‌دار بارسا را به یووه هدیه دادند تا یک بازیکن بالای ۳۰ سال دیگر را به ترکیب تیم مسن اضافه کنند. مشکل بارسا دقیقاً مشابه سال ۲۰۰۸ است؛ زمانی که پپ آمد و با بیرون کردن رونالدینیو تن به بزرگ‌ترین خانه‌تکانی یک دهه اخیر داد. نه شاهکارها یک‌شبه خلق می‌شوند و نه فجایع آنی به وجود می‌آیند.

بارسا با پپ پله‌پله ویران کرد و ساخت و به دوران طلایی‌اش رسید و درست بعد از رفتن انریکه، آجر به آجر خراب کرد تا به ویرانه امروز برسد. شاید یک باخت ۲ بر یک هم می‌توانست

روزنامه‌هیوان

## امتیاز

## سقوط یک امپراطوری



همه چیز را تمام کند اما گویا خدا در این بین هواداران بارسا را دوست داشت تا با این ۸ گل، زلزله واقعی را پدید بیاورد؛ زلزله‌ای که بعد از فاجعه رم و آنفیلد باید به وقوع می‌پیوست اما شاهد هیچ اتفاقی نبودیم جز همان روند غلط در هدر دادن پول؛ از دمبله تا کوتینیو و گریزمن. بارسا برای خط دفاعی سال‌هاست فرست دارد از پیکه دل بکند اما خریدهایش مدافعان متوسط و ارزان‌قیمتی مثل لنگله و اومتیتی بودند. نه از چشمه لاماسیا خبری بود و نه استعدادیاب‌های باشگاه توانستند حتی یک مدافع معمولی را جذب کنند. نمایش لنگله و پیکه جمعه‌شب ملغمه‌ای از گاف‌ها و اشتباهات عجیب بود. از زمانی که آنها دنی آلوز را از دست دادند، هیچ گزینه‌ای را پیدا نکردند تا دست‌کم بعد از ۳ دفاع سرمایه‌گذاری حالا ادعا کنند صاحب یک دفاع راست در حد و اندازه‌های بارسا هستند. جوک یعنی همین سمدو؛ مدافع بی‌استعداد به نفسی که اتوبان یک‌طرفه‌ای را برای باین افتتاح کرد.

## قهرمان غیرمنتظره

نادر پیش آمد. این موقعیت نتیجه فلسفه ناگلزمان بود. فرصت را تصاحب کنید و در موقعیت فوتبالی، معادل آفتاب‌پرست باشید. وقتی آدامز خودش را به محوطه جریمه اتلتیکو نزدیک کرد، فضایی برایش ایجاد شد که معمولاً با آن آشنا نیست. مارسل سابیتزر یک توپ عمقی دقیق برای مدافع چپ استثنایی تیم، آنجلینو فرستاد که او پاس به عقب داد و آنجا آدامز بود که روی خط محوطه جریمه قرار داشت. او تاملی کرد تا آماده زدن ضربه شود، بعد با پای راستش به توپ نواخت. توپ به استغان سولچ خورد و تغییر جهت داد تا یان اوبلاک، بهترین دروازه‌بان جهان مغلوب شود. ناگلزمان جشن شادی گرفت و آدامز در حالی که بیشتر شگفت‌زده بود تا هیجان‌زده، در محاصره دوستان و هم‌تیمی‌ها قرار گرفت. آدامز بعد از مسابقه گفت: «از این جور محاصره‌ها استقبال می‌کنم!»

آدامز خیلی وقت است که بازیکن چندپسته و همه‌کاره لایبزیگ به حساب می‌آید -او می‌تواند همه جای دفاع و خط میانی بازی کند- و این وظیفه بسیار سخت و غالباً قدرناشناخت‌ای است. او چسب تیمی است که معمولاً چندان مورد تحسین قرار نمی‌گیرد اما آنها که نزدیک به باشگاه هستند، می‌گویند بازیکنان این تیم جادانشندی هستند. با آنها که آدامز را می‌شناسند، صحبت کنید تا متوجه شوید چندان از بازی او در این دیدار شگفت‌زده نشده‌اند. جس مارش مربی افسی سالزبورگ که چهار سال در نیویورک و به عنوان کمک مربی در لایبزیگ مربی این بازیکن ۲۱ ساله بوده، به شما خواهد گفت که آدامز آرزوی هر مربی است. او درک خارق‌العاده‌ای از بازی دارد و بازی خوانی‌اش کم‌نظیر است. او همواره به سبک خودش در روند بازی تأثیرگذار است اما نه از آنها که تیتز اخبار را به خود اختصاص دهند. اما پنجشنبه شب در مقابل جایگاه خالی از تماشاگر در لیسهون پرتغال، هفت هفته بعد از آخرین مسابقه رسمی‌اش، آدامز درخواست ناگلزمان را اجابت کرد. او یکی از آن استعدادهای درخشان و جوان تیم ملی آمریکا است که در اروپا نامی برای خود دست و پا می‌کند. با کریستین پولیشچ چلسی، وستون مک کنی در شالکه و جوانوی رینا در بروسسایدورتموند، تیم ملی آمریکا استخوان‌بندی محکم و قابل اتکایی در ۱۲ سال گذشته داشته. به نظر می‌رسد انگار هر هفته قرار است یک استعداد در تیم ملی مردان آمریکا خودش را ثابت کند و می‌توان انتظار داشت هر بار یک صفت خاص و بی‌سابقه را به خودش اختصاص می‌دهند. حالا آدامز اولین بازیکن تیم ملی مردان آمریکا است که در یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا موفق به گلزنی می‌شود. مطمئناً افتخارات بیشتری در راه است.

## باز هم مارادونا و «دست خدا»



به پایان رسید. این شکست موجب سقوط نظامی آرژانتین به رهبری ژنرال «لئوپولد گالتیری» شد. تحقیر آرژانتین باعث ایجاد یک نوع یأس عاطفی در میان مردم این کشور شد. چهار سال طول کشید تا غرور ضربه‌خورده و حیثیت لکه‌دارشده مردم آرژانتین به فراموشی سپرده شود و این «بگو مارادونا» بود که از کشور و مردمش اعاده حیثیت کرد. در جام جهانی ۱۹۸۶ با بدون هیچ ارتشی، وارد قلعه انگلستان شد. گل دوم او که از سوی فیفا «گل قرن» نامیده شد، میلیون‌ها آرژانتینی را به خیابان‌ها آورد. او با طی مسافتی ۶۰ متری، ۹ انگلیسی را یکی پس از دیگری از سر راه برداشت و بعد از عبور از «پیتز شلتون»، دروازه‌بان انگلیسی، وارد دروازه این تیم شد. **او بدون هیچ رفراندومی پروژیدنت آرژانتین شد.** این پیروزی او را تبدیل به یک «دبلس» کرد. عجیب است که سورتینیو آماده ساخت سریالی برای تلویزیون است که «پاپ جدید» نام دارد و این نام بی‌شاهت به وضعیت مارادونا پس از آن مسابقه نفس‌گیر و تاریخی نیست. او امروز ۶۰ ساله است؛ زمانی که از او سؤال شد گلی را که با دست زدی همه دنیا به یادش می‌ماند امواج ماهواره‌ای از گیرنده‌های خود دیدند، او آن را «دست‌خدا» نامید. حیرت‌انگیز بود که همه دیدند به جز «بِن ناصِر» داور تونسی مسابقه. اصولاً دست در زندگی مارادونا نقش بسیار مهمی دارد. زمانی که ۱۰ سال داشت و در خانواده‌ای بسیار

باین هر چه از راست بارسا زد، گل شد. مقصر کیست؟ بدون تردید کیکه ستین که آن همه اشتباه را دید اما دست به تعویض نزد. عوض آنکه در نیمه دوم سرجی روبرتو را جانشین سدو کند، او را از زمین بیرون کشید تا عملاً جبهه راست را دو دستی به باین ببخشد.

هیچ فاجعه‌ای اتفاقی رخ نمی‌دهد، بارسا زمانی تحقیر شد که جانشین والورده را از دل یک گاودراری کشف کرد؛ در اینکه نباید در میان فصل دست به کادر فنی می‌زد، عقاید مختلفی وجود دارد اما چرا باید هدایت بارسا به یک مربی درجه ۲ بدون هیچ کاریزما و کارنامه‌ای سپرده شود؟ کیکه ستین نه جوان بود نه تئوریسین و نه ذاتاً شجاع؛ که اگر ذره‌ای شهامت و جرأت در وجودش می‌دیدم دقایق آخر همان لحظاتی که مسی توپ لو می‌داد و راه می‌رفت، او را بیرون می‌کشید تا ثابت کند هیچ بازیکنی در جهان از تیم بزرگ‌تر نیست. اما ستین ترسو و مغمو، شوک‌زده و میهوت ۲ دستش را به نیمکت خالی تکیه داده بود و چنان به زمین می‌نگریست که یک چوپان به مرتع گرگ‌زده! این آخر خط بود. آخر همه لافظی‌ها پشت کلمات گول‌زنکی بسان فلسفه ما، لاماسیا، فوتبال تیکی تاکا. نه، هیچ تاکتیکی در هیچ تیمی پیاده نمی‌شود. اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد اما اشتباهات بارتمشو انقدر تکرار شد که رسیدیم به اگر عنصر کافی و لازم در آن تیم نباشند، بارسا سال هاست عناصر تاثیرگذار آن فوتبال را یک به یک از دست می‌دهد و تصور می‌کند با جانشینان ژاوی و اینیستا هم قادر به همان نمایش است. اما نه، پیکه وقت رفتنش فرا رسید. بوسکنس دیگر توان قبل را ندارد. دل بستن به معجزه‌های مسی همیشه جوابگو نیست. اینها را ۲ سال قبل هم بعد از فجایع رم و آنفیلد دید، که استنباط کرد